

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
فروست:
شابک:
وضعیت فهرست نویسی:
موضوع:
موضوع:
شناسه افزوده:
رده بندی کنگره:
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

شیروانی، علی اکبر، ۱۳۶۰
سن پترزبورگ موزیکانچی دارد سن پترزبورگ به روایت مسافران قاجاری /
دیبری و تدوین علی اکبر شیروانی؛ تحقیق محمدمهدی پرچکوهی.
تهران - نشر اطراف، ۱۳۹۶.
۲۱۲ص.
مجموعه تماشای شهر؛ ۴
دوره ۵- ۲- ۹۶۸۸۴-۹۶۸۸۴-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰
جلد ۴: ۷-۴-۹۸۰۱۹-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰
قیپا
سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۱۳ق.
سن پترزبورگ (روسیه) -- سیر و سیاحت
پرچکوهی، محمدمهدی، ۱۳۷۳
DSR۱۳۲۵/ش۹۴س۸ ۱۳۹۶
۹۵۵/۰۷۴۰۴۲
۴۹۹۷۹۱۴

مجموعه تماشای شهر (۴)

سن پترزبورگ موزیکالانچی دارد

سن پترزبورگ به روایت مسافران دوره قاجار
علی اکبر شیروانی



مجموعه تماشای شهر (۴)

سن پترزبورگ موزیکانچی دارد

دبیری و تدوین: علی اکبر شیروانی
تحقیق: محمدمهدی پرچکوهی

مدیر هنری: کیارنگ علایی

طراح جلد: حسین اسکندری

عکس روی جلد: کیارنگ علایی

صفحه آرا: محمدرضا لری چی

بازبینی نهایی متن: محمدمهدی حیدری

ناظر چاپ: محمدحسین دوست محمدی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۰۱۹-۴-۷

چاپ اول: ۱۳۹۶، ۱۰۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای «نشر اطراف» محفوظ است.

هرگونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شکل و شیوه

(چاپی، کپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.



اطراف

تهران، خیابان گل نپی، خیابان شهید ناطق نوری، کوی رضاییگ، پلاک ۹.

تلفن: ۲۲۸۵۵۲۴۷، Atraf.ir

@atrapublication | Email: atrafpub@gmail.com

به سکوت رسایش

م. فومنی

مقدمه ... ۹

ستونِ سنگِ سرخِ خال‌دار ... علی‌خان‌ظهِیرالدوله ... ۱۳

بازیِ بی‌مزهٔ طولانی ... ناصرالدین‌شاه ... ۲۹

تیری به عاشق و معشوق ... خسرو میرزا ... ۵۹

از هر جا و هر چیز و هر امر ... ابوالحسن‌خان ... ۸۷

قالی فرنگ و ایرانی ... میرزا صالح ... ۱۵۹

سابقهٔ شاه‌شهید ... مظفرالدین‌شاه ... ۱۸۱

منابع ... ۲۰۴

شرح کلمات ... ۲۰۵

مکان‌ها ... ۲۰۷

نام‌ها ... ۲۱۰

مقدمه

نت‌هایی را می‌توان یافت که به زیبایی و لطف آهنگ می‌افزایند
ونت‌هایی که زائدند.
فارابی

خانه محل سکونت است و سکونت هم خانواده است با سُکنا، تسکین،
مسکن و اسکان. این سین‌های متوالی کلمه دیگری در خود دارد: سکوت.
خانه محل سکوت و سکونت است و صداهای خانه، از صدای رادیو و
تلویزیون تا گریه نوزاد، چسبیده به همان سکوت خانه است. ما در خانه
ساکن و آرامیم و اگر خانه‌ای را ساکت نمی‌دانیم و اگر صداهایی را در
خانه مزاحم می‌پنداریم مشکل از صداها و مزاحمت‌ها نیست که ریشه
را در جای دیگر باید جست؛ در انهدام روابط یا اعوجاج روان‌ها مثلاً. پا
از خانه که بیرون می‌گذاریم صداها نت به نت به متن زندگی مان افزوده
می‌شود. نت‌های کوچ‌بانه‌های محله، نت‌های محله بانه‌های خیابان،
نت‌های خیابان بانه‌های بزرگراه، بانه‌های بازار، بانه‌های مدرسه، با

نت‌های دانشگاه، بانتهای ادارات، بانتهای معابد و مساجد، بانتهای سربازخانه و پادگان، بانتهای روز و شب، بانتهای فصل‌ها و با هزاران صدای دیگر در هم می‌آمیزد و موسیقی زندگی ما را می‌سازد. ما در متن موسیقی زندگی می‌کنیم و دائم در حال داد و ستد با صداهای اطرافمان هستیم؛ نسبت به صداهای هنجار و به‌جان‌نشین واکنش‌های مثبت نشان می‌دهیم و خود را در معرض‌شان قرار می‌دهیم و از صداهای ناهنجار و روح‌آزار فراری‌ایم. به نظر می‌رسد از میان حواس پنج‌گانه کمترین کنترل را بر حس شنوایی داریم و گریز از مکان‌گریز از صداهایی است که می‌شنویم در جست‌وجوی نوایی تازه.

موسیقی زندگی با مکان و زمان پیوند دارد. صدائی - و هر صدائی - که می‌شنویم پیوند می‌خورد با مکان و زمان. موسیقی‌ای که هنر موسیقی می‌شناسیم و با ساز و ادوات خاصی نوا می‌سازد خالی از زمان و مکان نیست؛ آوازهای ماندگار هم. موسیقی‌های ماندگار و مشهور آنانی‌اند که بتوانند زمان و مکان را بشکنند و شرط شکستن زمان و مکان پیوند عمیق با خود زمان و مکان است. تفکیک زمان و مکان در موسیقی زندگی چندان آسان نیست و گویا پیوستگی این دو بیش از آن است که می‌پنداریم. موسیقی سیالی است جاری در زمان و مکان و شبیه هوای کش آمده در تاریخ است که ما الان و اینجا تنفسش می‌کنیم. آنچه گوش‌ها را نسبت به صداهایی تفاوت می‌کند عادت است. صدای اذان یا ناقوس کلیسا برای آنان که مدتی در جایی بی‌اذان یا بی‌ناقوس بوده‌اند آهنگی دیگر دارد. گوش به صداهای عادت می‌کند و دیگر صداهای جاری در کوچه، محله، خیابان و شهر رانمی‌شنود - مگر گوش‌های تربیت‌شده. بخشی از موسیقی روزمره زندگی مان از کلمات جاری بر زبان می‌آید. ما دائم در حال گوش سپردن به صدای خودمان و صدای دیگرانیم؛ حتی در سکوت افکارمان را با صدای خودمان می‌شنویم. مردم به زبان‌های گوناگون سخن می‌گویند و تنوعی که از گویش و لهجه هر

زبان سراغ داریم با شهرها پیوند می خورد. ما بیش از هر صدائی در شهر موسیقی زبان را می شنویم. بخشی از انگیزه های سفر گوش سپردن به موسیقی متفاوت است؛ موسیقی شهرهای دیگر. سفر ضد عادت به شنیدن موسیقی های دائمی است و هم گوش ما را با صداهای دیگر آشنا می کند و هم در بازگشت به شهر و دیارمان صداهای خوش آهنگ و بدآهنگ را بهتر تفکیک می کنیم.

مسافر میلی غریب دارد که صدای شهرهای دیگر را به گوش دیگران برساند. تمامی تجربه نابی که از شنیدن موسیقی - حتی بدآهنگ - شهرهای دیگر برای مسافر به دست آمده قابل انتقال نیست، اما تلاش برای انتقالش پیدایش سفرنامه را رقم زد. شکی نیست که سفرنامه تمامی موسیقی شهر نیست و شکی نیست که مهارت و ذوق سفرنامه نویس در انتقال شفاف و رسا یا اغوجاج و ابهام موسیقی شهرها مؤثر است، اما سفرنامه ها تا اندازه ای گوش ما را حساس می کنند به موسیقی شهرها. شهر هر چه دورتر در زمان و مکان، موسیقی اش متفاوت تر. شنیدن نت های مختلف پرورنده گوش سپار به آن موسیقی هاست. موسیقی ای که از شهر خودمان و از شهرهای دیگر می شنویم با درهم آمیزی نت های بسیاری شکل گرفته که برخی قدیمی اند و برخی نو. موسیقی پاریس، استانبول، لندن، سن پترزبورگ و بمبئی این روزها با صد سال و دویست سال پیش متفاوت است اما نغمه های مشترکی از گذشته این شهرها شنیده می شود که قابل گوش پوشی نیست. مجموعه «تماشای شهر» می کوشد موسیقی چند شهر دور را از زمانی دور به گوش برساند تا راهنمایی باشد برای گوش سپردن، شنیدن و شیوه های شنیدن.

برای شنیدن موسیقی ای که مسافران دوره قاجار از شهرهای دور ثبت کرده اند کوشیده ام بیش از اهتمام به دغدغه های صلب و سخت مورخان و پژوهشگران، به روایتی برسم که خواندنش برای مخاطب شیرین و خیال انگیز باشد. در کتابی که در دست دارید عادت امروزی خواننده در

رسم الخط و علائم ویرایشی مراعات شده و همچنین شرح برخی کلمات و جملات مشکل در پایان کتاب افزوده شده است که به هیچ عنوان مدعی ارائه تمام معانی کلمه نیست. در حالی که در سال‌های پایانی قرن سیزدهم شمسی بر سر ضبط نام‌ها و اعلام اجنبی به فارسی اختلاف نظر وجود دارد، پافشاری بر ضبط کهن اعلام عبث بود؛ بنا بر ضرورت، همه اعلام بر اساس ضبط شایع امروزی تغییر یافته است. معتقدم بخشی از ساختار زبان که با صحیح و غلط می‌شناسیمش از وضعیت عمومی جامعه ناشی می‌شود و همین دیدگاه باعث شد پا از این فراتر نگذارم و غلط‌ها و خطاهای نگارشی و فنی را به شکل و سیاق سابق حفظ کنم.

آنچه در دست دارید شکل نمی‌گرفت مگر با لطف و حمایت پژوهشگران نشر اطراف و سرکار خانم نفیسه مرشدزاده—بی‌پایان سپاس ایشان را.

علی اکبر شیروانی

پاییز ۱۳۹۶